

The Criminological Consequences of International Sanctions on Iran's Monetary and Banking System

Danial Najafi¹, Mahdi Shari Zadeh,² Mostafa Maleki,³ Mahdi Mehrabi Yadegari Dareh⁴

Abstract

Field and Aims: International sanctions, particularly those targeting financial and banking sectors, represent a prevalent instrument for exerting political and economic pressure on states. Beyond disrupting the monetary system of the target nation, these sanctions have catalyzed the emergence of novel forms of economic crime. Within this context, monetary and banking offenses -such as money laundering, financial document forgery, and illicit currency transfer-have undergone significant qualitative and quantitative transformations as a direct consequence of the pressures induced by sanctions. Nevertheless, the precise impact of these sanctions on the escalation or evolution of financial crime patterns has received scant attention in legal scholarship. The primary objective of this article is to address this gap by examining the influence of international sanctions on monetary and banking crimes in Iran from a criminal law perspective. Furthermore, it aims to propose legal countermeasures to address this phenomenon. Relying on documentary and analytical data, this research seeks to provide a realistic depiction of the criminological consequences sanctions have imposed on the country's banking system.

Method: This research was done using descriptive analytical method.

Findings and Conclusions: The study's findings indicate that international sanctions have contributed to a quantitative increase in monetary and banking crimes in Iran, including money laundering, financial document forgery, and unauthorized foreign exchange transactions. Concurrently, these sanctions have spurred the development of more sophisticated circumvention patterns, complicating the detection and criminal prosecution of such activities. Data analysis further reveals that the commission of these offenses has been facilitated by several domestic factors, including weaknesses in regulatory institutions, legislative gaps in the realm of combating economic crimes, and a lack of coordination between judicial and financial authorities. Consequently, the sanctions have yielded not only significant economic consequences but also extensive criminological effects. The research concludes that essential strategies to counter the rising trend of these crimes in the sanctions era include: strengthening anti-money laundering (AML) regulations, enhancing supervisory mechanisms, providing specialized training for judicial personnel, and fostering international cooperation in the exchange of financial intelligence.

Keyword: International Sanctions, Monetary and Banking Crimes, Economic Crimes, Money Laundering.

Citation (APA): Najafi, D.; Shari Zadeh, M.; Maleki, M.; Mehrabi Yadegari Dareh, M. (2025). The Criminological Consequences of International Sanctions on Iran's Monetary and Banking System. *International Legal Research*, 18(67), 37-60.

1. M.A. in Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Tabriz Branch, Tabriz, Iran. (Author). Email: Daniel123najafi@gmail.com

2. Ph.D. in Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Tabriz Branch, Tabriz, Iran. Email: makooors@yahoo.com

3. faculty Member, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Payame Noor University, Tehran, Iran. Email: mmostafa@pnu.ir

4. M.A. in Political Science, Islamic Azad University, Karaj Branch, Karaj, Iran. Email: mehdi.mehrabi6367@gmail.com

پیامدهای کیفری تحریم‌های بین‌المللی بر نظام پولی و بانکی ایران

دانیال نجفی^۱✉، مهدی شری زاده^۲، مصطفی ملکی^۳، مهدی مهرابی دره یادگاری^۴

چکیده

زمینه و هدف: تحریم‌های بین‌المللی، به‌ویژه در حوزه‌های مالی و بانکی، از جمله ابزارهای پرکاربرد در اعمال فشار سیاسی و اقتصادی علیه دولت‌ها محسوب می‌شوند. این تحریم‌ها ضمن ایجاد اختلال در نظام پولی کشور هدف، زمینه‌ساز بروز پدیده‌های نوینی در ارتکاب جرائم اقتصادی شده‌اند. در این میان، جرائم پولی و بانکی نظیر پولشویی، جعل اسناد مالی و نقل و انتقال غیرقانونی ارز، در نتیجه فشارهای ناشی از تحریم‌ها دچار تغییرات کیفی و کمی شده‌اند. با این حال، تأثیر این تحریم‌ها بر افزایش یا تحول در الگوهای جرائم مالی کمتر مورد تحلیل حقوقی قرار گرفته است. هدف اصلی این مقاله، بررسی تأثیر تحریم‌های بین‌المللی بر جرائم پولی و بانکی در ایران از منظر حقوق کیفری و ارائه راهکارهای حقوقی برای مواجهه با این پدیده است. این پژوهش درصدد است با اتکا بر داده‌های اسنادی و تحلیلی، تصویری واقع‌گرایانه از پیامدهای کیفری تحریم‌ها بر نظام بانکی کشور ارائه دهد.

روش: این مطالعه با رویکرد توصیفی-تحلیلی و به روش اسنادی انجام شده و داده‌های آن از منابع حقوقی، قضایی و بانکی از طریق بررسی اسناد و منابع کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

یافته‌ها و نتایج: یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که تحریم‌های بین‌المللی منجر به افزایش کمی جرائم پولی و بانکی از جمله پولشویی، جعل اسناد مالی و معاملات ارزی غیرمجاز در ایران شده‌اند. در کنار این افزایش، الگوهای پیچیده‌تری برای دورزدن تحریم‌ها شکل گرفته است که شناسایی و تعقیب کیفری آن‌ها را دشوارتر کرده است. تحلیل داده‌ها همچنین، نشان می‌دهد که ضعف نهادهای نظارتی، خلأهای قانونی در حوزه مقابله با جرائم اقتصادی و عدم هماهنگی میان مراجع قضایی و مالی از عوامل تسهیل‌کننده ارتکاب این جرائم هستند. در نتیجه، تحریم‌ها نه تنها پیامد اقتصادی، بلکه آثار کیفری گسترده‌ای نیز در پی داشته‌اند. این پژوهش نتیجه می‌گیرد که تقویت مقررات مبارزه با پولشویی، ارتقاء نظارت‌ها، آموزش تخصصی نیروهای قضایی و همکاری بین‌المللی در تبادل اطلاعات مالی، از راهکارهای اساسی برای مقابله با روند فزاینده این جرائم در دوران تحریم به شمار می‌رود.

کلیدواژه‌ها: تحریم‌های بین‌المللی، جرائم پولی و بانکی، جرائم اقتصادی، پولشویی.

استناددهی (APA): نجفی، دانیال؛ شری‌زاده، مهدی؛ ملکی، مصطفی و مهرابی دره یادگاری، مهدی. (۱۴۰۴). پیامدهای کیفری تحریم‌های بین‌المللی بر نظام پولی و بانکی ایران. *تحقیقات حقوقی بین‌المللی*، ۱۸(۶۷)، ۳۷-۶۰.

۱. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول).

رایانامه: Daniel123najafi@gmail.com

۲. دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، تبریز، ایران. رایانامه: makoor@yahoo.com

۳. عضو هیات علمی گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. رایانامه: mmostafa@pnu.ir

۴. کارشناس ارشد علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. رایانامه: mehdi.mehrabi6367@gmail.com



تحریم‌های بین‌المللی^۱ طی دهه‌های اخیر، به یکی از ابزارهای اصلی اعمال سیاست خارجی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی تبدیل شده‌اند. این تحریم‌ها معمولاً، با هدف اعمال فشار سیاسی، اقتصادی و حقوقی بر دولت‌ها، به‌ویژه در حوزه‌های حساس مانند برنامه‌های هسته‌ای، حقوق بشر و امنیت بین‌الملل وضع می‌شوند (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۵: ۴۵؛ حسن‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۸؛ کاتوزیان، ۱۳۹۹: ۱۲۲). جمهوری اسلامی ایران در دو دهه گذشته، به‌ویژه از سال ۱۳۸۹ به بعد، با تحریم‌های گسترده‌ای در حوزه‌های مالی، بانکی، نفتی و تجاری مواجه بوده است (نجف‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۲؛ سامی و خلیلی، ۱۳۹۹: ۵). این تحریم‌ها به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: نخست، تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد که بر اساس فصل هفتم منشور ملل متحد^۲ وضع شده و جنبه الزام‌آور بین‌المللی دارند؛ و دوم، تحریم‌های یک‌جانبه یا فراسرزمینی ایالات متحده آمریکا^۳ و اتحادیه اروپا^۴ که اگرچه جنبه الزام‌آور بین‌المللی ندارند، اما به دلیل قدرت اقتصادی و نفوذ سیاسی این کشورها، تأثیر قابل‌توجهی بر روابط مالی و بانکی ایران داشته‌اند (کیماسی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۶۰؛ متقی، ۱۳۹۷: ۹۰). در سطح تاریخی، تحریم‌های شورای امنیت^۵ علیه ایران عمدتاً، به محدودسازی برنامه‌های هسته‌ای کشور و جلوگیری از دسترسی به فناوری‌های حساس مربوط می‌شد. این تحریم‌ها شامل ممنوعیت صادرات و واردات مواد حساس، محدودیت در دسترسی به تجهیزات مالی بین‌المللی و مسدودسازی دارایی‌ها بوده است (فیروزی و همکاران، ۱۳۹۷: ۶). در مقابل، تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا و اتحادیه اروپا گستره وسیع‌تری داشته و بخش‌های اقتصادی گسترده‌ای را هدف قرار داده‌اند؛ از جمله تحریم بانک‌ها، شرکت‌های بیمه، شبکه‌های مالی و حتی معاملات تجاری با اشخاص حقیقی و حقوقی ایرانی (دباغی و یوسفی نجف‌آبادی، ۱۴۰۰: ۱۳۰؛ محمدی، ۱۳۹۸: ۴). این تفاوت‌ها نشان می‌دهد که تحلیل پیامدهای تحریم‌ها بر نظام بانکی ایران نیازمند تمایز دقیق میان نوع و سازوکار تحریم‌ها است.

در چنین شرایطی، نظام بانکی و پولی ایران به‌عنوان رکن اصلی مبادلات اقتصادی، بیشترین آسیب‌پذیری را تجربه کرده است. محدودیت در دسترسی به بازارهای مالی بین‌المللی، انسداد روابط کارگزاری بانکی، دشواری در نقل‌وانتقال ارز و افزایش هزینه‌های مبادله، بانک‌ها و مؤسسات مالی را وادار ساخته است تا برای تداوم فعالیت‌های خود، به روش‌های غیررسمی متوسل شوند (حسن‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰؛ نجف‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۲؛ نفیو، ۲۰۲۲: ۱۴).

1. International sanctions

2. United Nations Charter

3. United States of America

4. European Union

5. United Nations Security Council

شبکه‌های پولی زیرزمینی، صرافی‌های غیرمجاز و معاملات غیررسمی، ابزارهایی بوده‌اند که بانک‌ها و شرکت‌ها برای دورزدن محدودیت‌های بین‌المللی از آن‌ها بهره گرفته‌اند.

این شرایط به‌طورناخواسته بستر مناسبی برای ارتکاب جرائم اقتصادی فراهم آورده است؛ به عنوان مثال، پولشویی^۱ از طریق حساب‌های واسطه‌ای و شبکه‌های مالی سایه‌ای، تأمین مالی تروریسم^۲ با استفاده از جریان‌های مالی پنهان، جعل اسناد و معاملات صوری برای دورزدن تحریم‌ها، فرار مالیاتی و دیگر انواع معاملات غیرقانونی، از جمله پیامدهای مستقیم تحریم‌ها بر نظام بانکی و پولی ایران بوده است (آقای‌نیا، ۱۳۹۶: ۹۵؛ رحمدل، ۲۰۱۸: ۶۵؛ السعود، ۲۰۲۰: ۲۹۵). در واقع، تحریم‌ها نه تنها یک ابزار اقتصادی بوده‌اند، بلکه آثار غیرمستقیم آن‌ها در تقویت بزهکاری مالی و بانکی بسیار قابل توجه است.

مسئله اصلی این پژوهش آن است که تحریم‌های بین‌المللی، ضمن ایجاد فشار اقتصادی، چگونه به تغییر در الگوهای ارتکاب جرائم پولی و بانکی در ایران منجر شده‌اند. به عبارت دیگر، پرسش اساسی این است که آیا محدودیت‌های تحریمی صرفاً، نظام بانکی را در سطح اقتصادی دچار اختلال کرده‌اند یا این‌که پیامدهای کیفری و جرم‌شناختی عمیق‌تری نیز داشته‌اند؟ از دل این پرسش، چند سؤال فرعی قابل استخراج است: نخست، رابطه میان شدت تحریم‌ها و افزایش جرائم مالی همچون پولشویی و تأمین مالی تروریسم چیست؟ دوم، خلأهای حقوقی و نهادی در نظام بانکی و کیفری ایران کدامند که تشدید این وضعیت را ممکن ساخته‌اند؟ و سوم، راهبردهای مؤثر برای کاهش آثار منفی تحریم‌ها بر جرائم بانکی کدامند؟ (شامبیاتی، ۱۳۹۷: ۱۸۵؛ نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۸: ۱۱۰).

بر این اساس، فرضیه پژوهش حاضر آن است که تحریم‌های بین‌المللی با ایجاد محدودیت‌های گسترده در حوزه مبادلات مالی، به‌طور غیرمستقیم انگیزه ارتکاب جرائم پولی و بانکی را تقویت کرده و زمینه‌های پولشویی و تأمین مالی تروریسم را گسترش داده‌اند (غیابی، ۲۰۲۱: ۸). همچنین، فقدان هماهنگی نهادی و ضعف در اجرای سیاست‌های پیشگیرانه و کیفری در ایران باعث شده است که این آثار کیفری تحریم‌ها تشدید گردد (سامی و خلیلی، ۱۳۹۹: ۷).

ضرورت انجام این پژوهش از آن جهت است که بیشتر مطالعات داخلی یا به بررسی اقتصادی تحریم‌ها پرداخته‌اند و یا در سطحی کلی، به پیامدهای آن بر نظام بانکی اشاره کرده‌اند؛ بی‌آنکه به‌طور خاص، به تحلیل پیامدهای کیفری آن بپردازند (ارلی و نستلر، ۲۰۲۳: ۱۶۵). بنابراین، خلأ موجود در ادبیات علمی ایجاب می‌کند تا این موضوع از منظر حقوق کیفری و جرم‌شناسی مورد واکاوی قرار گیرد. نتایج چنین پژوهشی علاوه بر غنای مباحث

1. Money laundering
2. Terrorist Financing



نظری، می‌تواند به سیاست‌گذاران کمک کند تا در تدوین راهبردهای مقابله با جرائم مالی در شرایط تحریمی، تدابیر دقیق‌تر و مؤثرتری را اتخاذ کنند. افزون بر آن، این پژوهش می‌تواند برای سایر کشورهایی که در معرض تحریم‌های اقتصادی مشابه قرار دارند نیز الگویی مفید فراهم آورد.

۱. ادبیات نظری

۱-۱. مفهوم و ماهیت تحریم‌های بین‌المللی

تحریم‌های بین‌المللی ابزاری هستند که در حقوق بین‌الملل برای وادار ساختن دولت‌ها یا گروه‌ها به تغییر رفتار سیاسی، امنیتی یا اقتصادی مورد استفاده قرار می‌گیرند. این تحریم‌ها می‌توانند به صورت چندجانبه (از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد) یا یک‌جانبه (از سوی دولت‌ها یا اتحادیه‌ها) اعمال شوند. در هر دو حالت، ماهیت آن‌ها ایجاد محدودیت در دسترسی به منابع مالی و شبکه‌های بانکی بین‌المللی است تا کشور هدف با فشار اقتصادی، به تغییر سیاست‌های خود وادار شود (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۵: ۶۰؛ نفیو، ۲۰۲۲: ۱۴). از منظر حقوق کیفری، اهمیت این تحریم‌ها در آن است که بستر ارتکاب جرائم مالی و بانکی را گسترش می‌دهند؛ به عنوان نمونه، محرومیت ایران از شبکه بانکی سوئیفت^۱، فعالان اقتصادی را به استفاده از شیوه‌های غیررسمی و اغلب غیرقانونی برای انتقال وجوه سوق داد؛ امری که خود بسترساز پولشویی و معاملات صوری شد (حسن‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰).

۲-۱. تأثیر تحریم‌ها بر ساختار نظام بانکی و مالی

تحریم‌های بانکی و مالی علیه ایران باعث شده‌اند که بانک‌ها برای ادامه فعالیت‌های خود از روش‌هایی مانند شبکه‌های زیرزمینی انتقال پول، حساب‌های واسطه‌ای در کشورهای ثالث و قراردادهای صوری استفاده کنند (کیماسی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۶۰). این روش‌ها از یک‌سو، موجب افزایش هزینه‌های اقتصادی و کاهش شفافیت مالی شده و از سوی دیگر، راه‌های جدیدی برای ارتکاب جرائم سازمان‌یافته فراهم آورده‌اند (متقی، ۱۳۹۷: ۹۰). در حقوق کیفری، چنین تحولاتی مصداق بارز ایجاد شرایط مساعد برای بزهکاری محسوب می‌شوند. ضعف در کنترل این فرایندها، ارتکاب جرائم پولی و بانکی نظیر پولشویی و فساد سازمان‌یافته را تسهیل کرده است (آقایی‌نیا، ۱۳۹۶: ۹۵).

1. Society for Worldwide Interbank Financial Telecommunication

۳-۱. ارتباط تحریم‌ها با جرائم پولی و بانکی

از منظر جرم‌شناسی، میان شدت تحریم‌ها و افزایش جرائم اقتصادی نوعی رابطه علی قابل مشاهده است (شامبیاتی، ۱۳۹۷: ۱۸۵). فشارهای ناشی از تحریم موجب می‌شود اشخاص حقیقی و حقوقی به دنبال مسیرهای جایگزین باشند. این مسیرها غالباً، خارج از چارچوب‌های رسمی و نظارتی هستند و به همین دلیل، بستر مناسبی برای ارتکاب جرائم مالی فراهم می‌سازند (نجف زاده، ۱۳۹۳: ۱۲). نمونه بارز این وضعیت، گسترش پدیده حواله‌های غیررسمی در دوران تحریم است. در این سیستم‌ها، به دلیل فقدان نظارت قانونی، امکان پیگیری مبادلات مشکوک به حداقل می‌رسد (فیروزی و همکاران، ۱۳۹۷: ۶).

۴-۱. تحلیل حقوق کیفری در بستر تحریم‌ها

در حقوق کیفری ایران، قوانین متعددی برای مقابله با جرائم مالی وجود دارد؛ از جمله قانون مبارزه با پولشویی (۱۳۸۶) و قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم (۱۳۹۴). با این حال، در شرایط تحریمی، اجرای این قوانین با چالش‌های جدی روبه‌رو می‌شود (گلدوزیان، ۱۳۹۸: ۲۶۰). زیرا بخش عمده‌ای از فعالیت‌های مالی در مسیرهای غیررسمی جریان می‌یابد و ابزارهای نظارتی رسمی کارایی خود را از دست می‌دهند (رحمدل، ۲۰۱۸: ۴۶۸). برای نمونه، گزارش‌دهی معاملات مشکوک تنها در صورتی ممکن است که تراکنش از طریق نظام بانکی رسمی انجام شود؛ در حالی که بسیاری از تراکنش‌ها به شبکه‌های غیررسمی منتقل می‌شوند (السعود، ۲۰۲۰: ۲۹۵). بنابراین، تحریم‌ها به نوعی ناکارآمدی ساختاری در نظام کیفری ایجاد می‌کنند.

۵-۱. خلأهای پژوهشی و ضرورت تحلیل علمی

اگرچه تاکنون پژوهش‌های متعددی درباره تأثیر تحریم‌ها بر اقتصاد ایران انجام شده است، اما بررسی حقوق کیفری تحریم‌ها کمتر مورد توجه قرار گرفته است (غیابی، ۲۰۲۱: ۱۰). بیشتر مطالعات اقتصادی صرفاً، به آثار کلان اقتصادی مانند کاهش درآمدهای نفتی یا افزایش تورم پرداخته‌اند، در حالی که ابعاد جرم‌شناختی و کیفری این پدیده مغفول مانده است (ارلی و نستلر، ۲۰۲۳: ۱۶۵). شکاف اصلی در ادبیات علمی موجود، نبود تحلیل‌های دقیق درباره الگوهای ارتکاب جرائم پولی و بانکی در شرایط تحریمی است. پژوهش حاضر می‌کوشد این خلأ را پر کرده و با رویکرد حقوق کیفری، رابطه میان تحریم‌ها و جرائم بانکی در ایران را روشن سازد.



۲. تحریم‌های بین‌المللی و دگرگونی ساختار جرائم اقتصادی در ایران

در این پژوهش، منظور از تحریم‌های بین‌المللی عمدتاً، تحریم‌های یکجانبه اعمال‌شده توسط ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا است که با استفاده از ابزارهای انسداد کانال‌های مالی، محدودیت تراکنش‌های بانکی و فشار بر نظام بانکی و اقتصادی ایران اعمال می‌شوند. این تحریم‌ها، برخلاف تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل که الزامی برای همه کشورهای عضو دارند، ماهیتی فرامرزی و ثانویه داشته و کشورهایی را هدف قرار می‌دهند که با ایران مراوده مالی دارند (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۵: ۶۰). انتخاب این نوع تحریم‌ها مبتنی بر تأثیر مستقیم و غیرمستقیم آن‌ها بر ارتکاب جرائم مالی و بانکی و همچنین، ظرفیت محدودسازی عملکرد نهادهای قضایی و نظارتی در مقابله با این جرائم است. روشن‌سازی این مقصود، چارچوب تحلیلی فصل‌های بعدی مقاله را مشخص می‌کند و امکان بررسی پیامدهای کیفری، تحلیل سیاست جنایی و تبیین تغییرات الگوهای بزهکاری اقتصادی و بانکی را فراهم می‌آورد.

۱-۲. تحول الگوهای جرائم اقتصادی

تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران شامل دو دسته اصلی هستند: الف) تحریم‌های الزام‌آور شورای امنیت سازمان ملل که به موجب قطعنامه‌ها، برای همه کشورهای عضو لازم‌الاجراست؛ و ب) تحریم‌های یکجانبه یا چندجانبه آمریکا و اتحادیه اروپا که با اتکاء به قدرت مالی و نفوذ در نظام بانکی بین‌الملل، آثار فرامرزی و غیرقانونی نیز به همراه دارند. این تحریم‌ها با محدودکردن دسترسی ایران به بازارهای مالی و بانکی بین‌المللی، فضای رسمی اقتصادی را فشرده کرده و موجب حرکت سرمایه و فعالیت‌های اقتصادی به سمت اقتصاد غیررسمی و زیرزمینی شده‌اند (حسن‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰). از منظر حقوق کیفری و سیاست جنایی، چنین فضایی زمینه‌ساز ظهور بزه‌های مالی پیچیده و نوظهور است؛ از جمله پول‌شویی، جعل و تقلب بانکی و تأمین مالی غیرقانونی که مجرمان با بهره‌گیری از خلاهای قانونی و ضعف کنترل نهادهای نظارتی، شبکه‌های جرم‌خیز مالی را سازماندهی می‌کنند. به این ترتیب، تحریم‌ها به عنوان متغیری بیرونی، هم سطح انگیزه‌های بزهکاری را افزایش داده و هم ظرفیت دستگاه قضایی برای کشف و تعقیب مؤثر جرائم مالی را محدود می‌کنند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۸: ۱۱۰).

از منظر جرم‌شناسی واکنشی^۱، تحریم‌ها نوعی عامل محیطی پرخطر به شمار می‌روند که منجر به افزایش انگیزه‌های بزهکاری در حوزه مالی و بانکی می‌شوند. علاوه بر آن، تحریم‌ها ظرفیت دستگاه عدالت کیفری را برای کشف، تعقیب و مجازات مؤثر مجرمان مالی محدود کرده و عملاً، موجب تضعیف کارایی نظام کیفری شده‌اند (شامبیاتی، ۱۳۹۷: ۱۸۵).

1. Reactive criminology

۲-۲. افزایش پولشویی و گسترش جرائم سایبری^۱

در پی تحریم‌های یکجانبه آمریکا و اتحادیه اروپا، محدودیت در نقل و انتقالات مالی رسمی موجب توسعه بسترهای پولشویی، به‌ویژه در حوزه‌های فرامرزی، شده است. مطابق با ماده ۲ قانون مبارزه با پولشویی، هرگونه فعالیتی که موجب تبدیل، انتقال یا پنهان‌سازی منشأ غیرقانونی اموال شود، جرم تلقی می‌گردد. در دوره تحریم، به دلیل محدودیت در نقل و انتقالات مالی رسمی، بزهکاران مالی با بهره‌گیری از حساب‌های واسطه‌ای، شرکت‌های صوری و صرافی‌های غیرمجاز، اقدام به تطهیر منابع مالی حاصل از جرائم اقتصادی می‌کنند (رحمدل، ۲۰۱۸: ۶۵).

از سوی دیگر، گسترش فناوری و خلأ نظارتی در فضای سایبری زمینه‌ساز افزایش چشمگیر جرائم رایانه‌ای و اینترنتی نظیر هک حساب‌های بانکی، فیشینگ و کلاهبرداری‌های آنلاین شده است. در چارچوب قانون جرائم رایانه‌ای، این اعمال دارای وصف کیفری بوده و مشمول مجازات‌های کیفری خاصی هستند؛ اما نظارت و اجرای قانون در فضای مجازی تحت شرایط تحریمی، با موانع تکنیکی و حقوقی متعدد مواجه است (سامی و خلیلی، ۱۳۹۹: ۷). جرائم سایبری در چنین فضایی، نه تنها تهدیدی برای امنیت مالی شهروندان، بلکه بستری برای تقویت شبکه‌های بین‌المللی بزهکاری سازمان‌یافته شده‌اند. از منظر حقوق کیفری بین‌الملل، این‌گونه بزه‌ها جنبه فرامرزی پیدا کرده‌اند و بدون همکاری نهادهای بین‌المللی، تعقیب مؤثر آن‌ها امکان‌پذیر نیست (السعود، ۲۰۲۰: ۲۹۵).

۲-۳. پیچیدگی روش‌های تأمین مالی تروریسم

تحریم‌ها با مسدودکردن منابع مشروع مالی، گروه‌های تروریستی را به سمت استفاده از شیوه‌های غیرقانونی و پیچیده برای تأمین منابع سوق داده‌اند. مطابق با مفاد قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴، هرگونه تأمین مالی مستقیم یا غیرمستقیم برای اقدامات تروریستی دارای وصف مجرمانه است. در فضای تحریمی، باندهای تروریستی از ابزارهایی چون شرکت‌های واسطه‌ای، نقل و انتقال رمزارزی^۲ و استفاده از حساب‌های شخص ثالث برای تأمین مالی بهره می‌گیرند (دباغی و یوسفی نجف آبادی، ۱۴۰۰: ۱۳۵).

یکی از مشکلات اصلی در این زمینه، ضعف ساختارهای تبادل اطلاعات مالی بین‌المللی در پی تحریم‌هاست. در فقدان تبادل داده میان FIU^۳ های ملی و بین‌المللی، امکان ردیابی جریان مالی تروریسم به شدت کاهش می‌یابد. از منظر دادرسی کیفری، فقدان ادله کافی و مستندات بین‌المللی، مسیر اثبات جرم را دشوار می‌سازد و موجب اطاله دادرسی یا تبرئه متهمان می‌شود.

1. Cybercrime

2. Cryptocurrency

3. Financial Intelligence central



(محمدی، ۱۳۹۸: ۴). در چنین شرایطی، تقویت همکاری قضایی و اطلاعاتی میان نهادهای داخلی، استفاده از فناوری‌های نوین در کشف منشأ وجوه و اصلاح مقررات کیفری با در نظر گرفتن ساختارهای نوظهور مالی، ضروری به نظر می‌رسد.

۲-۴. افزایش قاچاق ارز و تضعیف نظارت مالی

تحریم‌های بانکی، به‌ویژه در قطع ارتباط با شبکه سوئیفت، موجب کاهش امکان تأمین رسمی ارزهای خارجی و در نتیجه، افزایش چشمگیر قاچاق ارز در کشور شده است. از منظر حقوق کیفری، قاچاق ارز از جمله جرائم علیه نظام اقتصادی تلقی می‌شود که در قوانین ناظر بر بازار ارز و قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز جرم‌انگاری شده است. افراد سودجو با سوءاستفاده از این شرایط، از طریق مسیرهای غیرقانونی، مبادلات ارزی را انجام می‌دهند و امنیت اقتصادی کشور را به خطر می‌اندازند (متقی، ۱۳۹۷: ۹۰).

همزمان، تضعیف نهادهای نظارتی چون بانک مرکزی و واحد اطلاعات مالی (FIU) در دوره تحریم موجب شده که پایش گردش وجوه و کنترل تراکنش‌ها با ضعف جدی روبرو باشد. این ضعف نظارتی، امکان کشف زودهنگام جرائم را کاهش داده و بستر مناسبی برای فرار مالیاتی، پول‌شویی و فعالیت شبکه‌های مجرمانه فراهم کرده است. لذا، سازوکارهای نظارتی سنتی فاقد کارایی لازم هستند و نیاز به طراحی سامانه‌های هوشمند ردیابی تراکنش‌ها، تقویت نظارت مبتنی بر ریسک و جرم‌انگاری‌های مکمل در حوزه قاچاق ارز وجود دارد (فیروزی و همکاران، ۱۳۹۷: ۶).

۲-۵. رشد جرائم اقتصادی در دوره‌های تشدید تحریم

بررسی‌های آماری و قضایی نشان می‌دهد که در دوره‌های تشدید تحریم‌ها، به‌ویژه در بازه‌های زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ و از سال ۱۳۹۷ به بعد، شاخص‌های ارتکاب جرائم اقتصادی در ایران با رشد معناداری مواجه شده است. این جرائم که عمدتاً، در حوزه‌های فساد مالی، رانت‌خواری، اختلاس، پول‌شویی و سوءاستفاده از منابع بانکی نمود می‌یابند، تابع مستقیم فشارهای ساختاری ناشی از محدودیت‌های خارجی و تضعیف سازوکارهای داخلی شفافیت مالی هستند (غیابی، ۲۰۲۱: ۱۰). این جرائم دارای وصف سازمان‌یافته، پیچیده و غالباً، درهم‌تنیده با عناصر نفوذ در ساختارهای تصمیم‌گیر اقتصادی و سیاسی‌اند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۸: ۱۱۵). هم‌چنین، از آن‌جا که بزه‌دیدگان این جرائم اغلب، جامعه عمومی و منافع اقتصادی ملی هستند، برخورد کیفری با آن‌ها نیازمند سیاست جنایی جامع، هماهنگ و مقاوم در برابر نفوذهای بیرونی است.

همچنین، در این دوره‌ها، نهادهای قضایی با افزایش پرونده‌های کلان اقتصادی مواجه بوده‌اند که چالش‌هایی نظیر اثبات سوءنیت خاص، شناسایی روابط پنهان مالی و فقدان همکاری بین‌المللی در احضار متهمان و ضبط اموال را به همراه داشته است. بهره‌گیری از ظرفیت دادرسی اقتصادی تخصصی و نهادهای فوق‌العاده نظیر دادگاه‌های ویژه اقتصادی، از جمله پاسخ‌های نظام کیفری به این پدیده در این دوره‌ها بوده است (آقایی نیا، ۱۳۹۶: ۱۰۰).

۶-۲. توسعه شبکه‌های غیررسمی مبادلات مالی و نقش آن‌ها در شکل‌گیری ساختارهای مجرمانه

در نتیجه تحریم‌های مالی و بانکی، بخش عمده‌ای از مبادلات اقتصادی به کانال‌های غیررسمی مانند صرافی‌های غیرمجاز، حواله‌های دستی و سیستم‌های سنتی مانند حواله‌داری غیرقانونی^۱ سوق یافته است (نجف زاده، ۱۳۹۳: ۱۲). این شبکه‌ها با دورزدن نظام مالی رسمی، بستر مناسبی برای اختفای منبع وجوه، پول‌شویی، تأمین مالی تروریسم و فرار مالیاتی فراهم کرده‌اند (متقی، ۱۳۹۷: ۹۰). این فعالیت‌ها می‌توانند مشمول جرایمی همچون فعالیت بدون مجوز در حوزه پولی و مالی، پنهان‌سازی منشأ دارایی و همکاری در بزه سازمان‌یافته باشند. توسعه این شبکه‌ها موجب شکل‌گیری ساختارهای مجرمانه‌ای شده است که با بهره‌گیری از خلأهای قانونی، ارتباطات فراملی و روش‌های ناشناخته، فرآیند کشف و پیگرد کیفری را دشوار می‌سازند.

همچنین، این شبکه‌ها نقش کلیدی در سازمان‌یافتگی بزهکاری اقتصادی ایفا می‌کنند؛ به‌ویژه، با توجه به ویژگی‌های جرم سازمان‌یافته همچون سلسله‌مراتبی بودن، استمرار عمل مجرمانه و توزیع نقش بین اعضاء، قانون‌گذار و نظام کیفری نیازمند توسعه ابزارهای مقابله‌ای مانند شنود، عملیات نفوذی و همکاری‌های بین‌نهادی است.

۷-۲. ضعف شفافیت مالی و ابزارهای پایش داخلی

یکی از پیامدهای غیرمستقیم تحریم‌ها، تضعیف ابزارهای پایش مالی داخلی و کاهش شفافیت در نظام مالی و بانکی کشور است. در شرایطی که دسترسی به سامانه‌های جهانی تبادل اطلاعات مالی محدود می‌شود، دولت‌ها ناگزیر به استفاده از ابزارهای موازی و غیرشفاف برای دورزدن تحریم‌ها هستند که این امر به نوبه‌ی خود موجب کاهش پاسخگویی، کنترل‌ناپذیری جریان‌های مالی و افزایش مخاطرات حقوقی می‌شود. نبود شفافیت مالی، فرآیند جرم‌انگاری مؤثر و اعمال ضمانت اجرای کیفری را با مشکل مواجه می‌سازد (رحمدل، ۲۰۱۸: ۴۷۰). نظام پیشگیری از جرم^۲ زمانی کارآمد است که امکان پایش، نظارت و تحلیل داده‌های مالی

1. Illegal remittance
2. Crime prevention



وجود داشته باشد. ضعف در شفافیت، راه را برای بزهکاری پنهان و سازمان‌یافته هموار می‌کند و عملاً، ریسک بزهکاری مالی را کاهش می‌دهد.

در این شرایط، ضرورت بازنگری در سیاست‌های کیفری پولی و بانکی و تقویت ابزارهایی نظیر سیستم گزارش‌دهی تراکنش‌های مشکوک، تحلیل رفتار مالی مشتریان و نظارت مستمر واحد اطلاعات مالی بیش‌ازپیش احساس می‌شود. همچنین، اصلاح قوانین در جهت جرم‌انگاری ترک فعل نهادهای نظارتی می‌تواند به افزایش مسئولیت‌پذیری نهادی کمک نماید.

۲-۸. گسترش پول‌شویی و ابزارهای جدید مانند رمزارزها

ظهور رمزارزها نظیر بیت‌کوین^۱، اتریوم^۲ و تتر^۳ در کنار تحریم‌های بانکی، موجب شده بسیاری از نقل و انتقالات مالی از طریق این ابزارها انجام شود. استفاده از رمزارزها، به‌ویژه در بسترهایی که فاقد نظام نظارتی و مقررات‌گذاری هستند، امکان پوشش منشأ غیرقانونی وجوه و انتقال آن‌ها به خارج از کشور را فراهم کرده و موجب تشدید پول‌شویی دیجیتال شده است (گروه ویژه اقدام مالی، ۲۰۲۳: ۱۵). مطابق قانون مبارزه با پول‌شویی و آیین‌نامه‌های اجرایی مربوطه، هرگونه فعالیت با هدف تطهیر عواید حاصل از جرم، مشمول ضمانت اجرای کیفری است (گلدوزیان، ۱۳۹۸: ۲۶۰). با این حال، رمزارزها به دلیل ماهیت غیرمتمرکز، ناشناس بودن کاربران و عدم وابستگی به نهادهای مالی سنتی، چالش‌های بی‌سابقه‌ای برای نهادهای ناظر و ضابطان دادگستری ایجاد کرده‌اند.

در ادبیات حقوق کیفری نوین، به این پدیده تحت عنوان پول‌شویی نوین یا پول‌شویی تکنولوژیک اشاره می‌شود. خلأ تقنینی در این حوزه موجب شده که بسیاری از رفتارهای خطرناک در فضای رمزارزی هنوز فاقد وصف مجرمانه روشن باشند که این امر نیازمند تدوین فوری مقررات کیفری شفاف و تخصصی برای کنترل، نظارت و جرم‌انگاری دقیق این فعالیت‌هاست (دباغی و یوسفی نجف آبادی، ۱۴۰۰: ۱۳۵).

۳. تحلیل ساختاری چالش‌های داخلی در کنترل جرائم اقتصادی در دوران تحریم

تحریم‌های یکجانبه ایالات متحده و اتحادیه اروپا، به‌ویژه تحریم‌های ثانویه و فرامرزی، نه تنها ساختار اقتصادی ایران را تحت فشار قرار داده‌اند، بلکه به شکل مستقیم بر الگوهای ارتکاب و کنترل جرائم اقتصادی نیز اثر گذاشته‌اند. این تحریم‌ها نظام بانکی ایران را با محدودیت‌های شدید در نقل و انتقال مالی، دسترسی به سیستم‌های پرداخت بین‌المللی و تعاملات بانکی مواجه

1. Bitcoin
2. Ethereum
3. Tether

ساخته و همین امر زمینه‌ی بروز چالش‌های داخلی متعددی در سیاست جنایی مقابله با جرائم اقتصادی را فراهم کرده است. در این فصل، تلاش می‌شود با نگاهی تحلیلی و انتقادی، مهم‌ترین موانع و چالش‌های حقوقی، نهادی و اجرایی در کنترل جرائم اقتصادی در دوران تحریم بررسی شود (نفیو، ۲۰۲۲: ۱۶).

۱-۳. خلأهای قانونی و ضعف‌های نظارتی ساختاری

در نظام حقوق کیفری ایران، اگرچه قوانین متعددی در زمینه مبارزه با جرائم اقتصادی، نظیر قانون مبارزه با پول‌شویی و قانون ارتقاء سلامت نظام اداری، به تصویب رسیده است، اما خلأهای قانونی ساختاری همچنان چالش‌برانگیز باقی مانده‌اند. این خلأها عمدتاً، به عدم انطباق قوانین داخلی با استانداردهای بین‌المللی و همچنین، ابهام در تعریف برخی مفاهیم کیفری مانند فعالیت مالی مشکوک یا نهاد ذی‌ربط بازمی‌گردد. از منظر سیاست جنایی تقنینی، قوانین ضد پول‌شویی فاقد ضمانت اجرای مؤثر در برابر دورزدن تحریم‌ها و فعالیت‌های اقتصادی پنهان هستند (سامی و خلیلی، ۱۳۹۹: ۷). در بسیاری موارد، فقدان صراحت در شمول مصادیق کیفری یا عدم پیش‌بینی رویه‌های الزام‌آور برای نهادهای نظارتی، بستر ارتکاب جرائم مالی در شرایط تحریمی را فراهم کرده است (محمدی، ۱۳۹۸: ۴).

نهادهای نظارتی نیز با محدودیت‌های نهادی و ساختاری مواجه‌اند. ضعف در استقلال سازمان‌های نظارتی، کمبود منابع انسانی متخصص و فقدان دسترسی مؤثر به داده‌های مالی، موجب شده است این نهادها نتوانند نقش مؤثری در کشف و پیشگیری از جرائم اقتصادی ایفا کنند. این وضعیت در دوران تحریم، به‌ویژه با گسترش روش‌های پیچیده انتقال سرمایه، تشدید شده است (حسن‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰). در این میان، نظارت ناکارآمد بر صرافی‌ها، مؤسسات مالی غیربانکی و نهادهای شبه‌مالی، نمونه‌هایی از چالش‌های عملی در ساختار نظارتی کشور است. چنین نقاط ضعفی، فضای مانور بیشتری برای مجرمان اقتصادی فراهم می‌آورد و ضرورت بازنگری در ساختار تقنینی و نظارتی کشور را بیش‌ازپیش روشن می‌سازد.

۲-۳. ناکارآمدی سیاست‌های کیفری در مواجهه با جرائم مالی تحریمی

سیاست کیفری ایران در حوزه جرائم اقتصادی عمدتاً، بر واکنش‌های سنتی نظیر مجازات حبس، جزای نقدی و محرومیت از حقوق اجتماعی متمرکز است؛ در حالی که شرایط تحریمی اقتضاء می‌کند سیاست جنایی نوین، منعطف و مبتنی بر پیشگیری اتخاذ شود. یکی از مظاهر ناکارآمدی در این حوزه، عدم تطابق کیفرها با میزان خطر و پیچیدگی جرائم مالی تحریمی است. جرائم مالی در دوران تحریم اغلب در بستر ساختارهای قانونی ظاهر می‌شوند و با استفاده از خلأهای قانونی و نقاط ضعف نظارتی، به‌گونه‌ای ارتکاب می‌یابند که شناسایی و



اثبات آن‌ها برای مقامات قضایی دشوار است. در چنین وضعیتی، ابزارهای کلاسیک حقوق کیفری پاسخگوی الزامات مقابله با جرائم مالی نوظهور نیستند.

در حوزه دادرسی کیفری نیز، فقدان مکانیزم‌های خاص کشف و تعقیب جرائم اقتصادی مانند نهادهای تخصصی تحقیق، استفاده محدود از تکنولوژی‌های نوین ردیابی مالی و ناهماهنگی بین دستگاه‌های امنیتی، نظارتی و قضایی از چالش‌های جدی به شمار می‌روند (شامبیاتی، ۱۳۹۷: ۱۹۰). همین موارد موجب افزایش نرخ کشف‌نشده‌بودن این دسته از جرائم شده است. در نهایت، عدم آموزش قضات و ضابطان دادگستری در زمینه فنون رسیدگی به پرونده‌های اقتصادی پیچیده موجب کندی روند رسیدگی، صدور احکام غیرمؤثر و تکرار وقوع جرائم مشابه شده است (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۹۸: ۱۱۵). این موارد بیانگر ضرورت بازمهندسی سیاست کیفری اقتصادی کشور در مواجهه با بحران تحریم است.

۳-۳. تغییر نگرش اجتماعی نسبت به تخلفات اقتصادی در سایه مشروع‌سازی اجتماعی

یکی از پیامدهای غیرمستقیم تحریم‌ها، تغییر تدریجی نگرش عمومی نسبت به تخلفات اقتصادی است. در ادبیات جرم‌شناسی، این پدیده به مشروع‌سازی اجتماعی جرم^۱ تعبیر می‌شود که طی آن، رفتارهای خلاف قانون از سوی بخشی از جامعه نه تنها ناپسند تلقی نمی‌شوند، بلکه به‌عنوان واکنشی مشروع به شرایط ناعادلانه اقتصادی در نظر گرفته می‌شوند. در شرایطی که محدودیت‌های تحریمی موجب سختی دسترسی به ارز، کالا یا خدمات مالی می‌شود، برخی فعالان اقتصادی و حتی شهروندان عادی به رفتارهایی چون قاچاق ارز، استفاده از حساب‌های بانکی خارجی و معاملات پوششی روی می‌آورند. این رفتارها در افکار عمومی به‌عنوان راهکار بقا شناخته می‌شوند، نه به‌عنوان جرائم کیفری.

مشروع‌سازی اجتماعی جرم به کاهش بازدارندگی قوانین می‌انجامد. در چنین فضایی، اجرای کیفرها نه تنها اثر اصلاحی ندارد، بلکه ممکن است به تقویت احساس بی‌عدالتی منجر شود (غیابی، ۲۰۲۱: ۱۰). این امر نشان‌دهنده فاصله میان قانون و باور عمومی نسبت به عدالت اقتصادی است. تداوم این روند، به مرور موجب تضعیف سرمایه اجتماعی و کاهش اعتماد عمومی به نهادهای اقتصادی و قضایی می‌شود (ارلی و نستلر، ۲۰۲۳: ۱۶۵). بنابراین، مقابله با این چالش مستلزم اصلاح گفتمان رسمی و ارتقاء شفافیت در عملکرد نهادهای رسمی اقتصادی است تا مشروعیت هنجارهای حقوقی در افکار عمومی احیا شود.

۳-۴. ناکامی در اجرای استانداردهای بین‌المللی FATF^۱ و چالش در همکاری‌های جهانی نظام حقوقی و بانکی ایران در سال‌های اخیر، با انتقادات گسترده‌ای از سوی نهادهای بین‌المللی مواجه بوده که مهم‌ترین آن‌ها، گروه ویژه اقدام مالی (FATF) است. ناتوانی در پیاده‌سازی کامل توصیه‌های این نهاد، که عمدتاً بر شفافیت تراکنش‌های مالی، مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم تمرکز دارد، موجب انزوای مالی بیشتر کشور و اختلال در تعاملات بانکی مشروع با جهان شده است. اجرای ناکامل استانداردهای بین‌المللی به محدود شدن تبادل اطلاعات مالی و قضایی با سایر کشورها انجامیده و امکان ردیابی جریان‌های غیرقانونی پول و همکاری در تعقیب مجرمان اقتصادی فرامرزی را کاهش داده است. این ضعف، مجرمان را در موقعیت امن‌تری قرار داده و موجب گسترش فعالیت‌های غیرقانونی فرامرزی شده است.

تأخیر در تصویب لوایح مرتبط با کنوانسیون پالرمو^۲ و عدم تصویب لوایح کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم (CFT)^۳، در کنار ضعف اراده سیاسی برای انطباق با معیارهای FATF، موجب شده تا ایران در لیست کشورهای پرریسک باقی بماند. این وضعیت، بانک‌های خارجی را به قطع همکاری یا افزایش احتیاط در تعاملات مالی با ایران واداشته (رحمدل، ۲۰۱۸: ۴۷۰) و در عمل، امکان نظارت مؤثر بر جریان‌های مالی بین‌المللی را از نهادهای داخلی سلب کرده است. در مجموع، ناکامی در هم‌راستایی با استانداردهای بین‌المللی نه تنها قابلیت‌های حقوق کیفری ایران را در مهار جرائم اقتصادی فرامرزی تضعیف کرده، بلکه امکان تحریم‌زدایی از مسیر تعامل حقوقی بین‌المللی را نیز به مخاطره انداخته است (السعود، ۲۰۲۰: ۲۹۵).

۳-۵. نقش کاسبان تحریم در ساختار مدیریت داخلی و حکمرانی اقتصادی غیررسمی یکی از پدیده‌های کلیدی در تحلیل ساختار جرائم اقتصادی تحریمی، شکل‌گیری طبقه‌ای از افراد و گروه‌هاست که در ادبیات عمومی به کاسبان تحریم شناخته می‌شوند. این افراد با بهره‌برداری از محدودیت‌های تحریمی و استفاده از ارتباطات غیررسمی، به کنترل بخش‌هایی از اقتصاد پنهان و قاچاق ارز و کالا مبادرت می‌ورزند. از منظر جرم‌شناسی حقوقی، این گروه‌ها به واسطه نفوذ در ساختارهای تصمیم‌گیری، عملاً در تعارض منافع قرار گرفته و مانع از شفاف‌سازی و اصلاح ساختارهای اقتصادی می‌شوند. نقش این شبکه‌ها در استمرار دورزدن تحریم‌ها، تضعیف شفافیت مالی و تحکیم مناسبات غیررسمی قدرت و ثروت کاملاً مشهود است.

1. Financial Action Task Force

2. United Nations Convention against Transnational Organized Crime

3. Terrorist Financing Convention



حضور این افراد در ساختارهای رسمی یا نزدیک به حاکمیت، امکان نظارت مؤثر و تعقیب قضایی را تضعیف کرده و موجب ایجاد مصونیت‌های نانوشته برای ارتکاب جرایمی مالی پیچیده می‌شود. این وضعیت به مفهوم ناکارآمدی ساختاری در نظریه‌های سیاست جنایی مرتبط است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۸: ۱۱۰). لذا، شکل‌گیری حکم‌رانی اقتصادی غیررسمی، چالش بزرگی در برابر اجرای عدالت کیفری ایجاد کرده و مانع اجرای سیاست‌های کیفری شفاف و قاطع در قبال جرائم اقتصادی می‌شود. مهار این پدیده مستلزم اصلاح ساختارهای نظارتی و شفاف‌سازی فرآیندهای تخصیص منابع در سطح ملی است.

۳-۶. سوءاستفاده گروه‌های ذی‌نفوذ از فضای تحریمی برای گسترش شبکه‌های اقتصادی غیرشفاف

تحریم‌ها به‌عنوان یک عامل فشار خارجی، در فضای داخلی موجب ایجاد شکاف‌هایی در ساختار نظارت و کنترل شده‌اند که گروه‌های ذی‌نفوذ از آن‌ها برای تعمیق فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی و سوداگرانه بهره‌برداری می‌کنند. این گروه‌ها اغلب، در سایه کم‌شفافیتی اطلاعات اقتصادی و ضعف پاسخ‌گویی نهادهای رسمی، اقدام به ایجاد شبکه‌های مالی پنهان می‌کنند. این شبکه‌ها با استفاده از ابزارهایی چون شرکت‌های پوششی، معاملات صوری، حساب‌های بانکی واسطه‌ای و انتقالات رمزارزی، ردپای خود را پنهان کرده و فرآیندهای تعقیب کیفری را با دشواری روبرو می‌سازند (متقی، ۱۳۹۷: ۹۰). چنین وضعیتی به تقویت «اقتصاد در سایه» منجر شده که همزمان از مصونیت و سود بالایی برخوردار است.

این فضا نوعی فرصت مجرمانه محسوب می‌شود که با کاهش هزینه ارتکاب جرم و افزایش سود آن، میل به ارتکاب تخلفات اقتصادی را بالا می‌برد. در غیاب شفاف‌سازی و دسترسی آزاد به اطلاعات مالی، ابزارهای کنترل کیفری عملاً، بی‌اثر خواهند بود. بازیگران قدرتمند در این شبکه‌ها به دلیل پیوندهای سیاسی یا ساختاری، در بسیاری موارد، از نظارت قضایی مصون مانده‌اند. بنابراین، مقابله با این پدیده نیازمند تحول در فرآیندهای نظارت مالی، استقلال نهادی در نهادهای ضد فساد و بازنگری در الگوهای حکمرانی اقتصادی کشور است.

۳-۷. فساد ساختاری و ناهماهنگی نهادی در دستگاه‌های ناظر

فساد ساختاری یکی از مهم‌ترین موانع مقابله با جرائم اقتصادی در دوران تحریم محسوب می‌شود. این نوع فساد، نه صرفاً در سطح افراد، بلکه در نهادها و فرآیندها رخنه کرده و به‌صورت سیستماتیک، عملکرد دستگاه‌های نظارتی، قضایی و اجرایی را مختل کرده است. در چنین بستری، اجرای سیاست‌های ضد فساد و پیشگیری از جرائم اقتصادی با مانع‌تراشی، تعلل یا حتی کارشکنی داخلی مواجه می‌شود. این وضعیت موجب تضعیف اصل پاسخ‌گویی و

بی‌اعتمادی عمومی نسبت به حاکمیت قانون می‌شود و در نهایت، کارایی نظام عدالت کیفری را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

ناهماهنگی بین نهادهایی مانند بانک مرکزی، سازمان امور مالیاتی، گمرک و قوه قضائیه نیز موجب دوباره‌کاری، تناقض در تصمیم‌گیری و فقدان رویکرد یکپارچه در مبارزه با جرائم اقتصادی می‌شود (حسن‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۸). این پدیده در نظریه‌های سیاست جنایی به‌عنوان پراکندگی نهادی شناخته می‌شود که از عوامل مهم ناکارآمدی در مبارزه با جرائم سازمان‌یافته است. ضعف در تبادل داده‌ها، عدم به‌روزرسانی سامانه‌های پایش مالی و نبود اراده سیاسی قوی برای حذف روابط ناسالم و شبکه‌های نفوذ، از جمله عواملی هستند که فساد ساختاری را در دوران تحریم تقویت کرده‌اند (نجف‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۲). مقابله مؤثر با این وضعیت نیازمند تحولات ساختاری، اصلاح قوانین نظارتی و افزایش شفافیت و پاسخ‌گویی در نهادهای دولتی است.

۴. ابعاد بین‌المللی و منطقه‌ای تحریم‌ها و تأثیر آن بر جرائم بانکی ایران

تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران از دو منبع عمده نشأت گرفته‌اند: نخست، تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل که جنبه الزام‌آور و مشروعیت بین‌المللی داشته‌اند و دوم، تحریم‌های یکجانبه ایالات متحده و اتحادیه اروپا که از نظر گستره، عمق و اثرگذاری، بیشترین نقش را در ایجاد تغییرات در ساختار نظام بانکی و در نتیجه، در الگوهای جرائم اقتصادی و مالی ایران ایفا کرده‌اند. با توجه به موضوع این پژوهش، تمرکز اصلی بر تحریم‌های یکجانبه، به‌ویژه تحریم‌های ثانویه و فرامرزی است؛ چراکه این دسته از تحریم‌ها بیشترین ارتباط را با بروز و گسترش جرائم بانکی مانند پولشویی، دورزدن تحریم‌ها و تأمین مالی غیرقانونی داشته‌اند (کاتوزیان، ۱۴۰۰: ۶۸).

۴-۱. مفهوم حکمرانی اقتصادی ابرقدرت‌ها در چارچوب تحریم‌های بین‌المللی

حکمرانی اقتصادی جهانی به‌واسطه قدرت‌های مسلط، به‌ویژه ایالات متحده آمریکا، واجد ابزارهایی است که نه تنها ماهیت اقتصادی، بلکه کارکردهای کیفری نیز پیدا کرده‌اند. تحریم‌های اقتصادی، در این چارچوب، به‌مثابه سازوکارهای اعمال اقتدار فراملی تعریف می‌شوند که با بهره‌گیری از صلاحیت کیفری گسترده، به صورت غیرمستقیم بر الگوهای کیفری در کشورهای هدف تأثیر می‌گذارند. در نتیجه، مرز میان حاکمیت کیفری داخلی و سلطه کیفری بین‌المللی درهم می‌شکند (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۵: ۶۰). در این فضا، تحریم‌ها به عنوان ابزارهایی شبه‌جزایی شناخته می‌شوند که اگرچه در قالب اقدامات سیاسی و اقتصادی ظاهر می‌گردند، اما با سازوکارهایی همچون مسدودسازی دارایی، ممنوعیت تراکنش و محدودیت در دسترسی به



بازارهای جهانی، اثرات مشابه مجازات‌های کیفری دارند (حسن‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰). در این زمینه، قدرت‌های جهانی عملاً، یک نظام کیفری غیررسمی را در سطح فراملی ایجاد می‌کنند.

این ساختار جهانی باعث می‌شود نهادهای مالی کشورهای تحریم‌شده، برای بقاء، ناگزیر به توسل به روش‌هایی شبه‌مجرمانه شوند؛ از جمله دورزدن تحریم‌ها، جعل اسناد بانکی یا بهره‌گیری از واسطه‌های مالی سایه‌دار. در این حالت، مرز میان بقاء اقتصادی و مشارکت در ساختار مجرمانه، تیره و مبهم می‌گردد. در مجموع، باید توجه داشت که در پرتو این نوع حکم‌رانی اقتصادی، مفاهیم سنتی حاکمیت کیفری و اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها به چالش کشیده می‌شوند؛ زیرا کشورهایی چون ایران با اعمال محدودیت‌هایی مواجه می‌گردند که پیامدهای حقوقی آن در حوزه جرائم اقتصادی و بانکی ملموس و قابل تحلیل است (غیابی، ۲۰۲۱: ۸).

۴-۲. سیاست تحریمی آمریکا و اتحادیه اروپا به مثابه ابزار کنترل مالی جهانی

تحریم‌های اعمالی توسط آمریکا و اتحادیه اروپا، با اتکا به قدرت نظام مالی بین‌الملل، کارکردی فراتر از ابزارهای سیاسی یافته و به یکی از مؤثرترین سازوکارهای کنترل مالی جهانی تبدیل شده‌اند. این تحریم‌ها، نه تنها ماهیتی اقتصادی، بلکه تأثیرات مستقیم و غیرمستقیمی بر میزان، نوع و نحوه ارتکاب جرائم مالی و بانکی در کشورهای هدف دارند (گروه ویژه اقدام مالی، ۲۰۲۲: ۴۰). در قالب سیاست‌های تحریمی، اصولی نظیر صلاحیت قضایی فرامرزی^۱ در عمل گسترش می‌یابد؛ به‌طوری‌که هر نهاد مالی که کوچک‌ترین مرادده‌ای با نظام مالی آمریکا یا اروپا داشته باشد، تحت صلاحیت این کشورها قرار گرفته و در معرض پیگرد کیفری یا اعمال جریمه‌های سنگین قرار می‌گیرد (کیماسی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۶۰).

این وضعیت موجب ترس تبعی^۲ در نظام بانکی ایران شده و بانک‌ها و مؤسسات مالی را به استفاده از شبکه‌های موازی، معاملات غیررسمی و واسطه‌های ناشناس سوق داده است. به تبع آن، پدیده‌هایی نظیر پول‌شویی، جعل اسناد مالی و تأمین مالی غیرقانونی تقویت می‌شوند. سیاست تحریمی آمریکا و اروپا با ایجاد فضای اضطرابی مستمر، زمینه شکل‌گیری نظامی از جرائم اقتصادی و بانکی را فراهم آورده که نه تنها مقابله با آن دشوار، بلکه در پاره‌ای موارد، تمایز آن از فعالیت مشروع نیز بسیار پیچیده می‌گردد.

1. Transborder jurisdiction
2. Fear of consequence

۳-۴. پیامدهای تحریم‌های ثانویه و افزایش هزینه تراکنش‌های مشروع

تحریم‌های ثانویه اعمال‌شده توسط آمریکا و اتحادیه اروپا، به‌عنوان یکی از پیچیده‌ترین ابزارهای فشار بین‌المللی، نه تنها کشور هدف، بلکه شرکای تجاری آن را نیز مشمول مجازات‌های اقتصادی می‌کند. این ابزارها باعث شده‌اند که بانک‌ها و نهادهای مالی خارجی، حتی در تراکنش‌های قانونی و مشروع نیز از تعامل با بانک‌های ایرانی پرهیز کنند؛ موضوعی که موجب اختلال در فرآیند شفافیت مالی و گسترش جرائم بانکی شده است (متقی، ۱۳۹۷: ۹۰). افزایش هزینه‌های انتقال وجوه، محدودیت در گشایش اعتبار اسنادی و انسداد مسیرهای رسمی بانکی منجر به گسترش مسیرهای مالی خاکستری^۱ شده است. در این وضعیت، فعالیت‌های اقتصادی مشروع نیز با اتهاماتی نظیر پول‌شویی، تأمین مالی غیرمجاز یا استفاده از حساب‌های واسطه مواجه می‌گردند (فیروزی و همکاران، ۱۳۹۷: ۶).

چالش اصلی در این فضا، اختلاط فعالیت‌های قانونی با رفتارهای مجرمانه است. بسیاری از پرونده‌های قضایی در سال‌های اخیر حاکی از آن است که فعالان اقتصادی برای فرار از تحریم‌های ثانویه، ناخواسته یا عمداً مرتکب جرایمی مانند جعل اسناد بانکی، ثبت معاملات صوری و استفاده از شرکت‌های پوششی شده‌اند. در نهایت، تحریم‌های ثانویه، با افزایش هزینه و ریسک فعالیت‌های مالی مشروع، زمینه‌ساز رشد جرائم مالی ساختاریافته می‌شوند؛ جرایمی که کشف، پیگرد و اثبات آن‌ها نیازمند تحولی جدی در رویه‌های قضایی و روش‌های نظارتی کشور است (دباغی و یوسفی نجف آبادی، ۱۴۰۰: ۱۳۰).

از منظر حقوق کیفری و سیاست جنایی، این مسیرهای مالی غیررسمی، بستری برای پول‌شویی، تأمین مالی غیرقانونی و تأمین مالی تروریسم ایجاد می‌کنند. به بیان دیگر، محدودیت‌های اعمال‌شده از طریق تحریم‌های فرامرزی، نه تنها فعالیت مشروع را دشوار می‌سازند، بلکه انگیزه برای استفاده از شبکه‌های پنهان و روش‌های غیرقانونی برای انتقال وجوه و حمایت مالی از گروه‌های غیرقانونی و تروریستی را افزایش می‌دهند. این واقعیت نشان می‌دهد که آثار کیفری تحریم‌ها صرفاً، ناشی از محدودیت اقتصادی نیست، بلکه بستر ارتکاب جرائم فرامرزی و سازمان‌یافته را نیز فراهم می‌آورد.

۴-۴. شکل‌گیری شبکه‌های مالی موازی و تأثیر آن بر افزایش جرائم فراملی

در سایه تحریم‌های بین‌المللی و انزوای مالی، شبکه‌های مالی موازی همچون صرافی‌های غیرمجاز، حساب‌های بانکی واسطه‌ای در کشورهای ثالث و نهادهای مالی سایه‌ای شکل گرفته‌اند. این شبکه‌ها به واسطه نبود نظارت رسمی، بستری مناسب برای ارتکاب جرائم سازمان‌یافته مالی و بانکی فراهم می‌کنند (نجف زاده، ۱۳۹۳: ۱۲). ویژگی بارز این شبکه‌ها،

1. Gray financial paths



فراملی بودن آن‌هاست؛ به‌نحوی که مسیرهای نقل و انتقال مالی از چندین کشور عبور کرده و کشف منشأ منابع مالی را با دشواری مواجه می‌سازد (متقی، ۱۳۹۷: ۹۰). همین امر موجب گسترش جرایمی نظیر پول‌شویی، تأمین مالی تروریسم و فرار مالیاتی در سطحی گسترده شده است.

شبکه‌های مالی موازی، مسیرهای نقل و انتقال سرمایه را پیچیده و شفافیت تراکنش‌ها را کاهش می‌دهند؛ به‌نحوی که تشخیص منشأ وجوه و پیگیری فعالیت‌های مالی مجرمانه دشوار می‌شود. از دیدگاه جرم‌شناسی، این شبکه‌ها مصداق ساختارهای مجرمانه فراملی هستند که از خلأهای قانونی، فقدان توافق‌نامه‌های همکاری قضایی بین‌المللی و ضعف اطلاعات مالی بین کشورها بهره‌برداری می‌کنند و امکان تأمین مالی سازمان‌های غیرقانونی و فعالیت‌های تروریستی را فراهم می‌آورند. در نتیجه، مرز میان جرائم اقتصادی داخلی و بین‌المللی عملاً از بین رفته است. در این شرایط، ضرورت بازنگری در سیاست‌های کیفری، تقویت نظام‌های ردیابی الکترونیکی تراکنش‌ها و تقویت همکاری قضایی با کشورهای منطقه و فرامنطقه‌ای بیش‌ازپیش احساس می‌شود.

۴-۵. نقش روابط آمریکا و عربستان در تشدید سیاست‌های تحریمی منطقه‌ای

روابط راهبردی و هماهنگی میان ایالات متحده آمریکا و عربستان سعودی در زمینه سیاست‌های تحریمی، به‌ویژه در حوزه خاورمیانه، به یکی از محورهای اصلی تشدید فشارهای مالی و اقتصادی علیه ایران بدل شده است. این همکاری فراتر از اقدامات سیاسی صرف، در قالب ساختارهای عملیاتی مشترک برای اعمال تحریم‌ها و انسداد کانال‌های مالی ایران ظاهر می‌شود. این نوع همکاری منجر به شکل‌گیری سازوکارهایی با قابلیت تعقیب فراملی شده که به موجب آن، جرائم اقتصادی ایران نه تنها در قلمرو داخلی، بلکه در حوزه‌های قضایی آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن قابل‌رسیدگی است. در نتیجه، نهادهای مالی و اشخاص حقیقی و حقوقی ایرانی تحت تعقیب کیفری چندجانبه قرار گرفته‌اند (نفیو، ۲۰۲۲: ۱۶؛ غیابی، ۲۰۲۱: ۱۰).

این وضعیت، فضای مجرمانه‌ای پیچیده را به وجود آورده که در آن، تشخیص و تفکیک رفتارهای قانونی از غیرقانونی به دلیل تأثیر مستقیم سیاست‌های تحریمی و فشارهای اقتصادی بسیار دشوار است. بنابراین، اعمال سیاست‌های کیفری داخلی بدون درک ابعاد بین‌المللی و منطقه‌ای تحریم‌ها به‌سادگی ناکارآمد می‌شود. از سوی دیگر، نقش عربستان در فشارهای منطقه‌ای، زمینه‌ساز گسترش جرائم مالی و بانکی به صورت گسترده‌تری شده است؛ به‌خصوص، در زمینه عملیات انتقال غیرقانونی ارز و مبادلات مالی غیرشفاف که ماهیت فراملی دارند.

پیوند سیاست‌های تحریمی آمریکا و عربستان سعودی نه تنها موجب تضعیف اقتصاد ایران شده، بلکه اثرات مستقیمی بر رشد جرائم بانکی در کل منطقه خاورمیانه داشته است. در شرایطی که دسترسی به منابع مالی مشروع محدود می‌شود، بازیگران اقتصادی و مجرمان سازمان‌یافته به سمت استفاده از روش‌های غیررسمی و غیرقانونی سوق یافته‌اند. این تحولات، در قالب جرایمی مانند پول‌شویی گسترده، تأمین مالی فعالیت‌های غیرقانونی و تروریستی و قاچاق ارز و کالا بروز کرده است. به عبارت دیگر، فشار تحریم‌ها باعث شده تا نظام بانکی رسمی ضعیف شده و فضای مناسبی برای نفوذ ساختارهای مجرمانه مالی ایجاد گردد. تحلیل این تحولات نشان می‌دهد که وجود چنین فشارهای خارجی می‌تواند باعث فشار ساختاری شود که به نوبه خود، در ارتکاب جرائم اقتصادی نقش دارد؛ به این معنا که مجرمان در پاسخ به محدودیت‌ها و ریسک‌های ناشی از تحریم‌ها، راهکارهای پیچیده و فراملی اتخاذ می‌کنند. در نهایت، این امر ضرورت بازنگری در رویکردهای مقابله کیفری با جرائم مالی را برجسته می‌سازد؛ به خصوص رویکردهایی که بتوانند ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی جرم را در نظر بگیرند و همکاری‌های قضایی و اطلاعاتی منطقه‌ای را تقویت کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش، تحلیل تأثیر تحریم‌های بین‌المللی بر نظام پولی و بانکی ایران و بررسی چالش‌های داخلی و اثرات منطقه‌ای و بین‌المللی آن بر الگوهای ارتکاب جرائم مالی و بانکی بود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تحریم‌ها به‌عنوان یک عامل فشار خارجی و محیطی، نه تنها محدودیت‌های اقتصادی ایجاد کرده‌اند، بلکه ماهیت، ساختار و گستره جرائم مالی و بانکی را نیز دستخوش تغییر کرده و موجب پیچیدگی، سازمان‌یافتگی و فرامرزی‌شدن آن‌ها شده‌اند. در این زمینه، شایان ذکر است که تحریم‌های شورای امنیت عمدتاً، دارای جنبه‌ی مشروعیت‌بخشی سیاسی بوده و نقش آن‌ها در تغییر واقعی رفتارهای اقتصادی و کیفری کشور هدف محدود بوده است. در مقابل، آثار واقعی و جرم‌زا بر نظام بانکی و اقتصادی ایران عمدتاً، ناشی از تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا و اتحادیه اروپا، به‌ویژه تحریم‌های ثانویه و فرامرزی، بوده است (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۵: ۴۵). این تحریم‌ها با محدودکردن دسترسی به منابع رسمی مالی، انسداد کانال‌های بانکی مشروع و ایجاد اختلال در نظام تبادل اطلاعات مالی، بستر ارتکاب جرائم مالی، پول‌شویی، تأمین مالی غیرقانونی، فعالیت‌های اقتصادی خاکستری و جرائم سایبری را فراهم کرده‌اند.

تحلیل ساختاری چالش‌های داخلی نشان می‌دهد که ضعف قوانین داخلی، خلأهای نظارتی و نهادی، فساد ساختاری و ناکارآمدی سیاست‌های کیفری، اثرات تحریم‌ها را تشدید کرده و موجب افزایش پیچیدگی و سازمان‌یافتگی جرائم اقتصادی شده است؛ به‌ویژه نقش «کاسبان تحریم» و شبکه‌های اقتصادی غیرشفاف نه تنها مانع شفافیت مالی و نظارت تراکشن‌ها شده، بلکه مسیر ارتکاب جرائم را تسهیل کرده است. تغییر نگرش اجتماعی نسبت به تخلفات اقتصادی و مشروع‌سازی رفتارهای غیرقانونی، بازدارندگی قوانین کیفری را کاهش داده و سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی به نهادهای قضایی و اقتصادی را تضعیف کرده است. این یافته‌ها نشان می‌دهد که برخورد سنتی کیفری بدون اصلاحات نهادی، ساختاری و فرهنگی نمی‌تواند در مواجهه با جرائم مالی نوظهور مؤثر باشد.

ابعاد بین‌المللی و منطقه‌ای تحریم‌ها نیز با ایجاد فشار ساختاری بر نظام بانکی ایران، پیچیدگی و فرامرزی‌شدن جرائم اقتصادی را تشدید کرده است. تحریم‌های فرامرزی و ثانویه، سیاست‌های تحریمی آمریکا و اتحادیه اروپا و همکاری‌های منطقه‌ای همچون روابط آمریکا و عربستان سعودی، علاوه بر محدودکردن تراکشن‌های مشروع، بانک‌ها و فعالان اقتصادی را به استفاده از مسیرهای مالی خاکستری و شبکه‌های موازی غیررسمی سوق داده‌اند. این شرایط موجب ابهام مرز میان فعالیت مشروع و رفتار شبه‌مجرمانه شده و امکان اعمال سیاست کیفری مؤثر را کاهش داده است. به عبارت دیگر، این تحریم‌ها با افزایش هزینه و ریسک فعالیت‌های



قانونی، انگیزه‌های ارتکاب رفتارهای خلاف قانون را تقویت کرده و زمینه فعالیت شبکه‌های فرامرزی و شبه‌سازمانی را فراهم آورده‌اند.

برایند پژوهش نشان می‌دهد که ترکیب فشارهای خارجی و ضعف‌های داخلی، محیطی پرریسک برای ارتکاب جرائم مالی و بانکی ایجاد کرده است که کشف، پیگرد و اثبات آن‌ها را به‌طور قابل توجهی دشوار ساخته است. بنابراین، ضرورت بازنگری جامع در سیاست‌های کیفری و حقوقی کشور و تدوین استراتژی‌های نوین مقابله با جرائم اقتصادی با توجه به ابعاد داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، برجسته می‌شود. اقدامات پیشنهادی شامل اصلاح ساختارهای نظارتی و حقوقی، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین ردیابی مالی، تقویت شفافیت و پاسخ‌گویی نهادهای اقتصادی، آموزش تخصصی ضابطان و قضات در زمینه جرائم پیچیده اقتصادی و توسعه همکاری‌های بین‌المللی و منطقه‌ای برای مقابله با جرائم فرامرزی است.

در مجموع، یافته‌های پژوهش بر اهمیت اتخاذ رویکرد تحلیلی و چندلایه تأکید دارند که امکان تشخیص دقیق مرز میان فعالیت مشروع و رفتارهای شبه‌مجرمانه، شناسایی شبکه‌های غیررسمی و فرامرزی و طراحی سیاست‌های کیفری منعطف و پیشگیرانه را فراهم سازد. تنها از طریق چنین رویکرد تحلیلی و مبتنی بر سیاست جنایی و حقوق کیفری می‌توان اثرات تحریم‌های یکجانبه را بر نظام بانکی و جرائم اقتصادی کاهش داده و مسیر مقابله کیفری مؤثر با جرائم نوظهور اقتصادی و بانکی را تضمین کرد.

منابع

- آقایی‌نیا، حسین. (۱۳۹۶). جرایم علیه اموال و مالکیت. بنیاد حقوقی میزان.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا. (۱۳۹۵). تحریم‌های یک‌جانبه در حقوق بین‌الملل. انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- شامبیاتی، هوشنگ. (۱۳۹۷). جرم‌شناسی. جلد دوم. تهران: انتشارات ژوبین.
- حسن‌زاده، علی؛ ارشدی، علی؛ نعیمی، حسین. (۱۳۹۲). «تحریم‌های بانکی، آثار آن بر فعالیت‌های بین‌المللی نظام بانکی ایران و گزینه‌های پیش رو». کنفرانس ملی توسعه مدیریت پولی و بانکی، تهران.
- دباغی، محمدامین؛ یوسفی نجف آبادی، هدی. (۱۴۰۰). موانع سیاسی و حقوقی پیوستن ایران به گروه ویژه اقدام مالی (FATF). کنفرانس حقوق، علوم سیاسی و علوم انسانی، تهران.
- سامی، محمدجواد و خلیلی، احسان. (۱۳۹۹). «پیامدهای حقوقی عضویت یا عدم عضویت ایران در گروه ویژه اقدام مالی (FATF)». کنفرانس ملی حقوق، فقه و فرهنگ، تهران.
- کیماسی، مسعود؛ غفاری نژاد، امیرحسین؛ رضایی، سولماز. (۱۳۹۵). تاثیر تحریم‌های نظام بانکی کشور بر سودآوری آنها. فصلنامه پژوهش‌های پولی-بانکی، ۹(۲۸)، ۱۹۷-۱۷۱.
<https://jmbr.mbri.ac.ir/article-1-341-fa.html>
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۹). نظریه عمومی تعهدات. جلد اول. شرکت سهامی انتشار.
- گلدوزیان، ایرج. (۱۳۹۸). حقوق جزای اختصاصی. جلد سوم. جرایم علیه اموال. بنیاد حقوقی میزان.
- فیروزی، حسین؛ خاکی، شیلان؛ عباسی، همایون. (۱۳۹۷). «بررسی تحریم‌های اقتصادی از منظر حقوق و سیاست بین‌الملل (مطالعه موردی ایران ۱۳۵۹-۱۳۹۷)». کنفرانس بین‌المللی اقتصاد در شرایط تحریم، شیراز.
- متقی، سمیرا. (۱۳۹۷). تبیین کارایی تحریم‌های اقتصادی وضع شده علیه جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه ره یافت / انقلاب اسلامی، ۱۲(۴۲)، ۸۹-۱۰۶.
https://www.rahyaftjournal.ir/article_66177.html
- نجف زاده، صفیه. (۱۳۹۳). «تحریم و پیامدهای تحریم (با تأکید بر سیستم بانکی)». کنفرانس بین‌المللی اقتصاد در شرایط تحریم، تهران.
- محمدی، حمزه. (۱۳۹۸). «بررسی موانع FATF در نظام حقوقی ایران و بین‌الملل». کنفرانس ملی و کنفرانس بین‌المللی حقوق و علوم سیاسی، تهران.
- Hufbauer, G. C., Schott, J. J., Elliott, K. A., & Oegg, B. (2009). *Economic sanctions reconsidered: History and current policy* (3rd ed., updated). Peterson Institute for International Economics.
- Kaempfer, W. H., & Lowenberg, A. D. (2014). *The political economy of economic sanctions*. Routledge.
- Reuter, P., & Truman, E. M. (2004). *Chasing dirty money: The fight against money laundering*. Peterson Institute for International Economics.
- Ryder, N. (2020). *The financial war on terror: A review of counter-terrorist financing strategies*. Routledge.
- Williams, P. (2001). *Transnational criminal networks*. Routledge.
- Zarate, J. C. (2013). *Treasury's war: The unleashing of a new era of financial warfare*. HarperCollins.
- Al-Saud, A. (2020). Iranian banks and international anti-money laundering standards. *Journal of Money Laundering Control*, 23(2), 290-305.



- de Koker, L. (2019). Westpac's panicked response to its money-laundering scandal. *Journal of Money Laundering Control*, 22(1), 76–88.
- Early, B. R., & Nestler, S. (2023). On target? Sanctions and the economic interests of elite policymakers in Iran. *The Economic Journal*, 133(649), 159–180.
- FATF (Financial Action Task Force). (2023). *Guidance on a risk-based approach to virtual assets and virtual asset service providers*. FATF.
- Ghiabi, M. (2021). *Iran's economy under sanctions: Two levels of impact*. Middle East Institute Policy Paper.
- Hufbauer, G. C., & Schott, J. J. (2022). *Policy brief: Sanctions update* (PIIE Working Paper). Peterson Institute for International Economics.
- Keerati, R. (2023). *The unintended consequences of financial sanctions* (BFI Working Paper No. 2023-12). University of Chicago.
- Leuprecht, C., Jenkins, C., & Hamilton, R. (2023). Virtual money laundering: Policy implications. *Journal of Financial Crime*, 30(4), 1036–1054.
- Nephew, R. (2022). *Iran sanctions* (Updated February 2, 2022). Congressional Research Service Report.
- Passas, N. (2006). Fighting terror with error: The counter-productive regulation of informal value transfers. *Crime, Law and Social Change*, 45(4–5), 315–336.
- Rahmdel, D. (2018). FATF and money laundering in Iran. *Journal of Money Laundering Control*, 21(3), 314–327.